

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال یازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۸

صفحات: ۷۰-۴۹

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۹/۲۰؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱/۲۰

تأثیر سیاست گذاری عمومی از منظر رفاه عمومی بر توسعه اجتماعی سیاسی؛ مطالعه موردی استان کردستان

سیدرحمت اله برزنجه عطری* / ملک تاج خسروی**

چکیده

هدف اصلی سیاست‌های اجتماعی کاهش نابرابری و بهبود رفاه انسانی است. اما بتدریج گستره و دامنه‌ی سیاست‌های اجتماعی از تعریف اولیه‌ی خود فراتر رفته است و شامل مواردی چون بهداشت، تغذیه، اشتغال‌زایی و سایر خدمات دولتی می‌شود. با این تعریف، مقاله حاضر برای بیان تأثیر سیاست گذاری عمومی از منظر رفاه عمومی به بررسی سیاست‌های اجتماعی دولت ایران با تأکید بر دوره ریاست جمهوری حسن روحانی می‌پردازد. برخلاف تحقیقات بنیادی که هدف اصلی و اساسی در آن، افزایش حیطه فهم و دانش در ارتباط با یک موضوع خاص است و در آن از روش‌های کیفی از جمله روش دلفی در فرایند تحلیل استفاده می‌شود، این پژوهش یک پژوهش کاربردی است. هدف اصلی آن، آزمودن و بررسی امکان کاربرد دانش موجود است تا از این طریق قادر به ارائه راهکار برای حل مسائل خاص سیاست گذاری از منظر رفاه عمومی و کمک به کارگزاران جهت انجام وظایفشان باشد. نتایج آزمون‌های این تحقیق که با استفاده از روش دلفی صورت گرفته، نشان می‌دهد که ضریب توافق کندال بالاتر از ۰/۴ قرار داشته و با توجه به کمتر بودن مقدار سطح معنی داری از ۰/۰۵ می‌توان گفت که ضریب توافقی کندال معنادار بوده است و در سطح اطمینان ۹۵٪ اتفاق نظر بین خبرگان وجود داشته است. هرچه ضریب توافقی کندال به «یک» نزدیک‌تر باشد، اتفاق نظر بین خبرگان بیشتر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

سیاست‌های اجتماعی و رفاهی؛ دولت یازدهم؛ اشتغال؛ مشارکت سیاسی؛ کشاورزی؛ معیشت.

f- rahmatatri@yahoo.com

m.khosravi511@yahoo.com

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

* استادیار علوم سیاسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).

۱. بیان مسأله

امروزه با پیشرفت و گسترش جوامع، نیاز شهروندان به مسائل و موضوعات مختلف نیز بیشتر شده است. به طوری که شهروندان در زندگی روزمره خود با خدمات مختلف دولتی درگیر هستند و یا آن را تقاضا می‌کنند. از سوی دیگر دولت‌ها در راستای ایجاد رفاه و رضایت شهروندی ملزم به ارائه خدماتی هستند که پاسخگوی تقاضاها و خواسته‌های شهروندان باشند. اما در عین حال این موضوع باعث افزایش وسعت و پیچیدگی بیشتر این خدمات شده است. به طوری که سیاست‌گذاری عمومی در عرصه رفاه اجتماعی تحت عنوان سیاست‌های اجتماعی امروزه تبدیل به بحثی تخصصی و حتی رشته‌ی دانشگاهی شده است. سیاست‌های اجتماعی به صورت زیرشاخه‌ای از سیاست‌گذاری‌های عمومی برای تحقق آرمان‌های مختلف مانند عدالت، برابری اجتماعی و ایجاد انسجام اجتماعی شکل گرفته است و در میزان مشارکت شهروندان نقش دارد. در حال حاضر سیاست‌های اجتماعی تبدیل به برنامه‌ها و نظام‌های بنیادین در عصر مدرن شده است. این سیاست‌ها طیف گسترده‌ای از اقدامات دولتی را در برمی‌گیرد که عبارتند از سیاست‌ها و روش‌های اجرایی در ارائه خدمات دولتی در زمینه‌هایی چون آموزش، امنیت اجتماعی، خدمات استخدای و کارگزینی، تأمین اجتماعی و خدمات سلامت و درمان، اقداماتی در زمینه‌ی مسکن و تأمین سرپناه، مسائل و بحران‌های اجتماعی مانند مبارزه با جرم، توان‌یابی، مبارزه با بیکاری، بهداشت روانی، حل معضلاتی چون تبعیض جنسیت، فقر و... است (هان، دانی، ۲۰۰۸: ۷۹).

با این توضیح ساده و کلی می‌توان نشان داد که سیاست‌گذاری عمومی از منظر رفاه عمومی که اختصاراً آن را سیاست‌های اجتماعی نامیده‌اند تا چه حد در زندگی شهروندان نفوذ کرده است و بر میزان رضایت آنان تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر رضایتمندی شهروندان در مشارکت سیاسی آن‌ها تأثیر گذار است و باعث می‌شود تا آنان در امور مختلف دولتی و شهری مشارکت یا عدم مشارکت داشته باشند. تحقیقات بسیار فراوانی از عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی شهروندان صورت گرفته است که بخش اصلی آنان به وضعیت معیشت و سبک زندگی شهروندان اشاره دارد. از این رو بحث دولت رفاه در ادامه سیاست‌های اجتماعی مطرح شده است. چرا که دولت‌ها برای بقا و کسب مشروعیت و خدمات‌رسانی بهتر نیاز به مشارکت و همکاری شهروندان در امور مختلف دارند و در واقع این امر در توسعه‌ی جامعه و کشور امری ضروری تلقی می‌شود و در بنیان مشارکت سیاسی، بحث اعتماد شهروندان به دولت و نهادهای

مرتبط به آن وجود دارد. اکنون سئوالی که پیش می آید این است که اولاً سیاست‌های اجتماعی (سیاست گذاری عمومی از منظر رفاه عمومی) دولت یازدهم کدامند؟ دوم اینکه این سیاست‌ها چه تأثیری بر میزان مشارکت سیاسی داشته‌اند؟ در این پژوهش تلاش می‌شود تا با استفاده از روش دلفی و اخذ نظر خبرگان به این سئوالات پاسخ داده شود. در ادامه ضمن ارائه‌ی پیشینه‌ی تحقیق، بیشتر به تعاریف مفاهیم سیاست اجتماعی و مشارکت سیاسی و به معرفی اجمالی سیاست‌های اجتماعی دولت یازدهم در استان کردستان پرداخته خواهد شد.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی بررسی تأثیر سیاست گذاری عمومی از منظر رفاه عمومی یا سیاست‌های اجتماعی دولت روحانی بر مشارکت مردم ایران تحقیقات جدی و عمیقی صورت نگرفته است و مطالعات پیشین در مورد سیاست‌های اجتماعی ایران در بسیاری از موارد کلی و یا موردی بوده و یا به تعریف مفاهیم بنیادی در سیاست‌های اجتماعی پرداخته است. برای مثال معصومه قاراخانی در سال ۱۳۹۰ در مقاله‌ی «بررسی سیاست‌گذاری اجتماعی ایران» سیاست‌گذاری اجتماعی ایران را مورد بررسی و ضرورت پژوهش سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران را از سه بعد ضرورت، وضعیت و دشواری‌های آن را مورد بررسی قرار داده است و ضمن بیان دشواری‌ها و تنگناهای موجود در بررسی سیاست‌های اجتماعی در ایران، به طرح پیشنهادهای در این زمینه پرداخته است. در تحقیقی دیگر با عنوان «سیاست‌گذاری اجتماعی: زمینه‌ها و رویکردها»، سعید وصالی و رضا امیدی با رویکردی توصیفی به دسته‌بندی زمینه‌های شکل‌گیری و رویکردهای نظری رشته سیاست گذاری اجتماعی پرداخته و انواع تعریف‌های ارائه شده از این رشته را طرح کرده و این تعاریف و رویکردها را در سه دسته‌ی بازنمایی، هنجاری و تبیینی جای داده است. در نهایت وصالی و امیدی در این مقاله معتقدند که نادیده گرفتن تفاوت‌های زمانی و تغییرات نهادی در کشورهای مختلف و افول دولت‌های رفاه، منجر به بروز نارسایی‌هایی در تبیین و توصیف این رویکردها شده است و از آن مهم‌تر بیان هزینه‌های تخصیصی در سیاست‌های اجتماعی نمی‌تواند نشان یا شاخصه‌ی مناسبی برای تحلیل نظام رفاهی و رویکرد غالب سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی در کشورهای مختلف باشد. از دیگر مقالاتی که به تعریف مفاهیم سیاست‌گذاری اجتماعی می‌پردازد مقاله‌ی فرشید یزدانی است که در مقاله‌ی خود با عنوان «مفاهیم بنیادی در رفاه اجتماعی» به تعریف مفاهیم سیاست اجتماعی، رفاه اجتماعی،

تأمین اجتماعی می‌پردازد و اینکه این واژه‌ها چه کارکردی به وجود می‌آورند و تاریخ شکل‌گیری این واژه‌ها را توضیح می‌دهد. مهشید کامکار نیز در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌گذاری اجتماعی چیست؟» به کاربردهای سیاست‌های اجتماعی می‌پردازد. وی معتقد است سیاست‌های اجتماعی اعمال شده از طرف دولت برای بهزیستی و حمایت اجتماعی است و روش‌هایی را به کار می‌گیرد تا باعث گسترش و توسعه بهزیستی در جامعه شود. در وهله اول سیاست‌های اجتماعی به مفهوم سیاست‌هایست که بر خدمات اجتماعی تمرکز دارد و در وهله دوم به مفهوم طیف گسترده‌ای از مفاهیم گسترده و ورای قوانین و احکام دولتی است و راه‌کار، اقدامات و روش‌هایی است که از طریق آن‌ها بهزیستی و کیفیت زندگی شهروندان ارتقا می‌یابد و شرایط اقتصادی و اجتماعی‌ای را فراهم می‌آورد که موجب گسترش و افزایش رفاه و زندگی بهتر افراد در جامعه می‌شود. محمود مسکوب نیز در مقاله‌ی انگلیسی خود با عنوان «سیاست اجتماعی در قرن بیستم» تاریخچه‌ای از سیاست‌های اجتماعی ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران ارائه می‌کند. بعد از آن به بررسی نهادهای رفاهی ایران بعد از انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد.

در مواردی دیگر سیاست‌های اجتماعی در ایران در یک دوره‌ی تاریخی خاص بررسی شده است مانند مقاله‌ی «در جستجوی سیاست اجتماعی در اسلام» که غلامعباس توسلی در این مقاله سعی کرده است تا چهارچوب‌های سیاست‌های اجتماعی در ایران را با استفاده از روایات و سنت‌های پیامبر از منظر دین اسلام بررسی کند. وی در این مقاله نتیجه می‌گیرد که میان سیاست‌های اجتماعی ایران که بخشی از آن در قانون اساسی ذکر شده و مورد تأیید فقها و علمای ایران است همسویی وجود دارد. «سیاست اجتماعی، توسعه‌ی اجتماعی و ضرورت آن در ایران (نقد و بررسی سند کپنهاگ)» نیز مقاله‌ی دیگریست که پرویز پیران، نگارنده‌ی مقاله اعلام می‌دارد که مقوله‌ی توسعه‌ی اجتماعی در پژوهش‌های محققان ایرانی و خارجی تا حدی ناقص و ناکافی است. اما سند منتشر شده از سوی اجلاس جهانی توسعه اجتماعی با عنوان سند کپنهاگ تا حدی توانسته است این مشکل را رفع کند و گستره و چهارچوب توسعه‌ی اجتماعی را مشخص کند. با بررسی روند تحولات و سیاست‌های اجتماعی نشان از افزایش بحران‌ها در ایران وجود دارد. نویسنده با بررسی زمینه‌های تاریخی علل بروز بحران‌های اجتماعی سعی دارد به این موارد پاسخ دهد که اولاً علت ناکامی‌های جنبش‌های اجتماعی در ایران چیست؟ و دوم چه موانعی باعث عدم تحقق توسعه‌ی اجتماعی در ایران می‌شود؟

علی کریمی و سمیه قاسم طوسی در مقاله‌ی «سیاست گذاری اجتماعی و هویت سازی ملی؛ فراگیری سیاست‌های کلان اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» اظهار کرده‌اند که یکی از گذرهایی که از طریق آن ملت سازی و هویت بخشی انجام می‌شود، سیاست‌های اجتماعی است زیرا که سیاست‌های اجتماعی با عام نگری و فراگیریشان باعث ایجاد عدالت اجتماعی می‌شوند و حس تعلق و همبستگی را در شهروندان بیشتر می‌کنند. با بررسی این امر می‌توان گفت که رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول گوناگون آن مبتنی بر برابرنگری شهروندی است و در توزیع منابع و منافع به همه شهروندان بدون توجه به مذهب و زبان و قومیت آنان یکسان برخورد شده است.

در مقالات دیگر در حوزه‌ی سیاست‌های اجتماعی مقالاتی هستند که تنها به جنبه‌ای خاص یا یکی از موارد سیاست اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. برای مثال «سیاست اجتماعی و فقر» نوشته‌ی مهرداد جواهری پور که دو رویکرد را مورد بررسی قرار داده است یکی رویکرد معطوف به رشد و دیگری رویکرد کاهش فقر. هر کدام از این دو رویکرد نگاه متفاوتی را به سیاست اجتماعی و جایگاه آن در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی داشته‌اند. مقاله‌ی جواهری پور سیاست‌های اجتماعی جدیدی را که درباره‌ی فقر شهری و کاستی‌های آن است را مطرح و آثار نامطلوب آن را ناشی از اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری بیان می‌کند. مقاله‌ی «سیاست اجتماعی و خانواده» نوشته‌ی علیرضا جزایری و مژگان صلواتی نیز روند تغییرات سیاست گذاری‌های اجتماعی در زمینه‌ی ارائه‌ی خدمات به خانواده را مورد بررسی قرار داده‌اند. این مقاله با مروری بر برخی از مشکلات خانوادگی از جمله خشونت علیه زنان و کودکان، سیاست‌های اجتماعی که در این موارد ارائه شده‌اند را مورد بحث قرار داده است. نعمت الله بابایی در مقاله «سیاست اجتماعی و سلامت» به اهمیت جمعیت سالم که منجر به پیشرفت است می‌پردازد و معتقد است در جامعه سالم هزینه‌های کمتری به دولت تحمیل می‌شود. از طریق توزیع عادلانه‌ی امکانات و دسترسی همگان بدان‌ها زمینه فراهم آمدن سلامت اجتماعی جامعه فراهم می‌شود. در حالی که شکاف طبقاتی و نابرابری، سطوح بالاتری از جنایت، خشونت و آسیب و مخاطرات سلامتی به‌مراه دارد. برای کاربرد سیاست اجتماعی موفق در بخش سلامت، با توجه به اهمیت تصمیم‌ها و اقدامات در بخش‌های مانند کشاورزی، آموزش، اقتصاد و دارایی، مسکن، خدمات اجتماعی و اشتغال در سلامت جامعه، باید راهبردهای معقول و موثری برای وارد کردن فعالانه‌ی آن‌ها در تلاش برای ایجاد توان لازم در ارتقای سلامت تدوین کرد.

محمد رضا معینی در «سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و نهادهای غیر رسمی» نیز به اهمیت توسعه اجتماعی می‌پردازد و سیاست اجتماعی را مکانیزمی برای دخالت دولت رفاه در حوزه رفاه اجتماعی می‌داند. مشخصه اصلی فرایند توسعه اجتماعی، ارتقا شاخص‌های انسانی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه است. همچنین در این جریان دولت به عنوان کنشگر اصلی توسعه اجتماعی شناخته می‌شود اما به تدریج عرصه جدیدی در ادبیات توسعه اجتماعی گشوده شده است که می‌تواند به عرصه پیدایش نهادهای غیر رسمی اشاره داشت. در این عرصه جدید، نهادهای غیر رسمی حاملان اصلی سرمایه اجتماعی هستند که می‌توانند در ارتقا سطح توسعه اجتماع تأثیر عمیقی بر جای بگذارند. مقاله‌ی معینی به معرفی این نهادها، چگونگی بازسازی توسعه‌ای آن‌ها و مروری بر چند تجربه‌ی بین‌المللی می‌پردازد.

کمال اظهاری در «فقر مسکن در ایران: فقر سیاست اجتماعی» مفهوم فقر مسکن را در مناطق شهری و روستایی توضیح می‌دهد. وی معتقد است فقر مسکن در مناطق شهری عمدتاً به صورت اسکان غیر رسمی خود را نشان می‌دهد و فقر مسکن در مناطق روستایی به دلیل بی‌دوامی سازه، مصالح ساختمانی و تعداد اتاق رخ می‌دهد. به طور کلی ابعاد فقر در روستا فراتر از شهرهاست. مقاله‌ی کمال اظهاری به دنبال نشان دادن این است که عدم وجود سیاست اجتماعی تأمین مسکن، یا کاستی‌های نظام‌های برنامه‌ریزی مسکن، تأمین اجتماعی و نبود هماهنگی بین آن‌ها، علت اصلی عدم توفیق دولت در کاهش فقر مسکن و تأمین عدالت اجتماعی است.

علی اکبر تاج مزینائی و مهدی حامد نیز به دنبال شناخت جایگاه شهرداری در اعمال سیاست اجتماعی محلی در چارچوب قوانین موجود بوده و در این ارتباط تمامی اسناد بالادستی و قوانین مربوطه در شهرداری‌ها و به خصوص شهر تهران را مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهند که بسیاری از ماموریت‌ها در مقررات داخلی شهرداری آمده است اما در قالب قوانین فراسازمانی نیامده است. در نتیجه انجام آن‌ها را با ابهام همپوشانی با سایر دستگاه‌ها مواجه می‌کنند. در برخی از حوزه‌های سیاست اجتماعی مانند حمل و نقل، بهداشت عمومی و اوقات فراغت جایگاه مهمی برای شهرداری‌ها در نظر گرفته شده است. اما شهرداری در بعضی از محورهای رفاهی مانند مسکن، امور خانوادگی، مراقبت اجتماعی، سطح درآمدی افراد و امنیت رفاهی نقش چندانی ندارد. علاوه بر این برخی از گروه‌ها مانند مهاجران و سالمندان تحت عنوان گروه هدف شهرداری قرار ندارد و به برخی از گروه‌های دیگر مانند کودکان و جوانان کم توجهی شده است. از نکات

جالب بررسی اسناد بالا دستی، در نظر گرفتن مشارکت شهروندان در سیاست‌های اجتماعی شهرداری‌هاست. این پژوهش علاوه بر روشن‌سازی جایگاه قانونی شهرداری در اعمال سیاست‌های محلی، به معرفی نهادهای قانون‌گذار در سیاست‌های اجتماعی می‌پردازد که سیاست‌های شان می‌تواند در حل موانعی که شهرداری‌ها با آن مواجه هستند کمک کند.

کیوان هریس در مقاله‌ای با عنوان منشأ «دولت رفاه ایران: نهادگرایی دوگانه و سیاست‌های اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران» سعی دارد تا رابطه‌ی میان رفاه و مدیریت دولت را در کشور ایران از زمان انقلاب اسلامی بررسی کند. هریس معتقد است که تأسیس سازمان‌های رفاه اجتماعی در ایران که در کنار ساختار دولت پس از انقلاب و به خصوص در طی دوران جنگ تحمیلی شکل گرفته‌اند باعث پیدایش نهادگرایی دوگانه شده است. سازمان‌های جدید پس از انقلاب در کنار ساختار اداری به جا مانده از دوران پهلوی شکل گرفته و هر دو مجموعه‌ی نهادها توسط حکومت جدید در راستای رفاه اجتماعی در حوزه‌هایی رخ داد که در حکومت پیشین مغفول مانده بود. این نهادها به دلیل جنگ تحمیلی نتوانستند رشد کنند. این مقاله همچنین به نتایج توسعه‌ی سیاست‌های سوادآموزی، سلامت و فقرزدای در طی سه دهه‌ی گذشته می‌پردازد. در نهایت این مقاله به موفقیت‌ها و کمبودهای سیستم رفاهی دولت ایران می‌پردازد که چهارچوبی مفهومی را برای مرزهای توسعه‌ی ایران امروز فراهم می‌آورد.

اما در کنار مقالاتی که در حوزه‌ی سیاست‌گذاری‌های اجتماعی مطرح شده است. می‌توان به مقالاتی اشاره کرد که بر عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان می‌پردازد. در تمامی این مقالات یکی از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان، رفاه اجتماعی و میزان دستیابی آنان به امکانات مطرح شده است. برای مثال فریبا شایگان در مقاله «نگرش نسبت به رفاه اجتماعی - اقتصادی و رابطه‌ی آن با اعتماد سیاسی در شهر تهران» به این می‌پردازد که اعتماد بین مردم و دولت یکی از عوامل ضروری برای اداره امور بهتر کشور و توسعه‌ی بیشتر و تأمین نیازهای مردم است. دولت‌ها در عصر حاضر نمی‌توانند بدون داشتن حمایت مردمی و پشتوانه‌ی اعتماد مردم به تنهایی کشور را اداره کنند و زمان اداره‌ی کشور به صورت استبدادی به پایان رسیده است. یکی از عوامل تأثیرگذار و بسیار مهم بر افزایش اعتماد سیاسی، احساس رضایت از زندگی و رفاه اجتماعی و اقتصادی میان شهروندان است. این تحقیق نشان داد که اگر دولت خواهان افزایش اعتماد سیاسی است باید در زمینه‌ی ایجاد رفاه اجتماعی مردم تلاش بیشتری نموده و

رضایت آنان را جلب کند. در این تحقیق اعتماد ۵۲ درصد بالا و ۳۲ درصد در حد متوسط بوده است.

مقاله‌ای با عنوان «رضایتمندی و مشارکت سیاسی - اجتماعی مطالعه‌ی موردی: شهروندان شهر کرج» نوشته‌ی قربانعلی سبکتکین ریزی، مجید روهنده، سید محمد بساطیان و احمد جعفری بیان می‌کند که مشارکت امری است که امروزه در تمامی جوامع مورد پذیرش است و هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. برای تقویت و گسترش مشارکت مردم در جامعه با عنوان موضوعی حیاتی، شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت مردم بسیار مهم است. این مقاله به بررسی عوامل اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی و رضایتمندی سیاسی افراد می‌پردازد. در این تحقیق که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در شهر کرج صورت گرفت، نتایج این نمونه‌گیری نشان می‌دهد که میان میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی با رضایتمندی اجتماعی ۵۸ درصد و رضایتمندی سیاسی ۱۶ درصد همبستگی معنادار وجود دارد.

رسول ربانی در مقاله‌ای با عنوان «رابطه‌ی ابعاد مادی و غیر مادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری» معتقد است که افزایش جمعیت و شهرنشینی به عنوان پدیده‌های فراگیر در کلان شهرهای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مانند ایران هستند و مشکلات برآمده از آن باعث شده است تا بسیاری از نظریه‌پردازان شهری به مشارکت شهروندان در امور شهری توجه خاصی داشته باشند. این مقاله به دنبال بررسی رابطه‌ی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهریست و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هر قدر اعتماد نهادی و رضایتمندی اجتماعی شهروندان در حد بالاتری قرار گیرد و احساس محرومیت آنان در حد پایینی باشد میزان مشارکت آنان در امور شهری بیشتر خواهد شد.

جنیفر لالس و ریچارد فاکس سورس متعقدند که مشارکت سیاسی در مناطق فقیر نشین شهری از اهمیت بسیاری در سیاست‌های اجتماعی و رفاهی برخوردار است. نامبردگان در تلاش برای به دست آوردن درک کامل از مشارکت سیاسی مردم در نواحی فقیرنشین، متغیرهای مشکلات اقتصادی که گرایش سیاسی و تعامل با نهادهای دولتی را در ۴۶۲ زن و مرد کم درآمد مورد بررسی قرار دادند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که اولاً منابع مادی و خصیصه‌های جمعیتی معمولاً گرایش به مشارکت سیاسی را از بین می‌برد. دوماً مشکلات اقتصادی و فقر شدید به همراه ارتباط سازنده و مناسب نهادهای دولتی تمایل شهروندان فقیر به مشارکت را افزایش می‌دهد.

۳. مبانی نظری

بسیاری از تحقیقات کسانی چون دیویس، رانسیمونوکروسبی نشان می‌دهد زمانی که شهروندان احساس محرومیت نسبی داشته باشند و در مناطق شهری احساس کنند که خدمات و تسهیلاتی که دریافت می‌کنند کافی نیست و یا از هر لحاظ تبعیضی وجود دارد و مسؤولان نیز به این نابرابری دامن می‌زنند، طبیعی است که تمایلی به مشارکت در امور شهری نخواهند داشت و رابطه‌ی معکوسی با آن وجود دارد. در واقع عدم مشارکت سیاسی شهروندان ممکن است باعث تشدید مشکلات موجود و یا پیدایش مشکلات جدیدتر برای جامعه گردد. علاوه بر این با بهبود سیاست‌های اجتماعی و افزایش مشارکت سیاسی شهروندان، پیشرفت و توسعه‌ی جامعه محقق می‌شود و این پیشرفت خود بر تقویت نهادهای مرتبط با رفاه مانند خدمات درمانی، بهداشتی، آموزشی و... تأثیر می‌گذارد. در واقع سیاست‌های رفاهی دولت در نهایت باعث تقویت نهادهای خدمات رسان می‌شود و به نوعی بازخورد این سیاست‌ها به خود دولت بازمی‌گردد (امیر کافی، ۱۳۸۳: ۱۸۱).

از نظر لاولس، افرادی که زیر خط فقر هستند بیشتر از سایر طبقات جامعه تحت تأثیر سیاست‌های اجتماعی دولت قرار می‌گیرند چرا که مخاطب بخشی از سیاست‌های اجتماعی دولت این قشر از اجتماع هستند و دولت سعی دارد سیاست‌های مراقبت از کودکان، مسکن و غذا را بیشتر در این قشر اجرا کند. اما بر خلاف این شهروندانی که زیر خط فقر هستند تمایل کمتری به مشارکت سیاسی دارند (لاولس، ۲۰۰۱: ۳۶۲).

نتایج تحقیقات ساس^۱ (۱۹۹۹: ۳۷۱-۷۹) نشان می‌دهد که شهروندان در حین تعامل و مواجهه با خدمات اجتماعی رفاهی دولت دانش سیاسی شان نیز افزایش می‌یابد و بر روی نگرششان درباره‌ی سیستم سیاسی اثر می‌گذارد. به میزانی که متولیان و کارکنان دستگاه‌های رفاهی که در رده‌های پایین‌تر اجرای سیاست‌های رفاهی قرار دارند با شهروندان برخورد و تعامل بهتری دارند به همان میزان بر کیفیت تجربه‌ی شهروندان و دانش آنان می‌افزاید و در نهایت واکنش‌ها یا مشارکت سیاسی شهروندان برآمده از تجربیات مثبت شهروندان از برنامه‌های رفاهی و خدماتی دولت است.

بسیاری دیگر نیز مانند کانوی (۱۹۹۱: ۲۱۳) بر این باورند که میزان پا سخگو بودن سیستم رفاهی یک دولت با مشارکت سیاسی شهروندان رابطه‌ی مستقیمی دارد و زمانی شهروندان

1. Soss

تمایل به مشارکت دارند که ببینند دولت نسبت به نیازهای آنان پاسخگو است. به طور کلی مشارکت سیاسی شهروندان برآمد نه فقط یک تجربه بلکه تجربیات متعدد آنان از سیستم رفاهی و خدماتیست که دریافت کرده‌اند. به همین دلیل می‌توان گفت که اجرای سیاست‌های رفاهی در حوزه‌های مختلف و زوایای متعدد زندگی شهروندان بسیار مهم است. گائوتر نیز معتقد است که مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی و یکپارچه است که هدف آن درگیر کردن مردم و ایفای نقش آنان در تمامی مراحل توسعه است زیرا افزایش مشارکت تأثیر بسزایی در کاهش فقر، تأمین حداقلی خدمات عمومی، توسعه فرصت‌های شغلی، افزایش بهره‌وری درآمد، افزایش تولیدات کشاورزی و تأمین امنیت خانواده‌ها دارد. بخشی از مشارکت می‌تواند به دلیل توانمندسازی افراد ضعیف و فاقد قدرت صورت گیرد. مشارکت سیاسی به حدی مهم است که می‌تواند به عنوان موثرترین ابزار برای حل معضلات و بحران‌های اجتماعی به کار آید(ازکیا، ۱۳۸۳: ۲۹۰-۲۹۱).

۴. سابقه سیاست‌گذاری عمومی از منظر رفاه (سیاست‌های اجتماعی) در ایران

بر اساس آنچه که مطرح شد، طراحی دقیق و اجرای سیاست‌های اجتماعی به منظور بهبود رفاه، افزایش برابری و عدالت اجتماعی بسیار مهم است و طیف و گستره‌ی این سیاست‌ها باید تا حد امکان جامع باشد و متناسب با بخش‌های مختلف یک کشور و بر اساس میزان فراوانی امکانات و تسهیلات صورت گیرد. همچنین سیاست‌های رفاهی در کشورهای مختلف یکسان نیست و در بسیاری از مقالات موضوع وجود یا عدم وجود سیاست‌های اجتماعی مطرح نیست بلکه بیشتر نوع سیاست و طیف افرادی که تحت پوشش سیاست قرار می‌گیرند مطرح است. اولین حوزه‌ی تعامل دولت با شهروندان در بحث سیستم رفاهی و سیاست‌های اجتماعی تجربیاتست که شهروندان در مواجهه با این سیستم دارند.

سیاست‌گذاری عمومی از منظر رفاه و یا همان واژه مصطلح، سیاست‌های اجتماعی، در ایران از گذشته‌های دور کم و بیش اجرا شده است و تاریخچه‌ای طولانی دارد. می‌توان گفت که از ایران باستان و پس از ورود اسلام به ایران سیاست‌های رفاهی از قبیل جلوگیری از فقر، تعدیل ثروت و کاهش آسیب‌ها و معضلات اجتماعی انجام شده است. همچنین در دوران صدارت کوتاه امیرکبیر اقداماتی مانند مبارزه با وبا، تأسیس مریض‌خانه، نظافت شهر، تأسیس دارالفنون و... نیز انجام شد. اما اجرای سیاست‌های اجتماعی به مفهوم مدرن و امروزی آن از

دوران مشروطه و در دو بخش بهداشت و آموزش به اجرا درآمده است. همچنین در دوره‌ی رضاشاه پهلوی نیز اقداماتی در این زمینه صورت گرفته است. سیاست‌های اجتماعی از سال ۱۳۲۰ به بعد دربردارنده‌ی موضوعاتی چون بهداشت، بیمه‌ی کارگری، اصلاحات ارضی و تحصیل رایگان بوده است. با تمامی این‌ها سیاست‌های رفاهی به شکل اساسی و جامع بعد از انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته است و قانون اساسی، دولت را ملزم به تدوین و طراحی سیاست‌های جامع و کامل در زمینه‌ی بهداشت، آموزش، تغذیه، مسکن، اشتغال برای تمامی مردم ایران می‌کند و در پی آن در کنار دولت، سازمان‌ها و نهادهای موازی برای تأمین رفاه و نیازهای شهروندان در ایران شکل گرفته است (قاراخانی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). در دوره‌های مختلف نیز سیاست‌های اجتماعی به صورت جسته و گریخته اجرا شده است و متأسفانه مطالعات تجربی اندکی بر تأثیر این سیاست‌ها بر مشارکت سیاسی شهروندان صورت گرفته است و بررسی و مطالعه‌ی عمیق سیاست‌های اجتماعی به طور کلی در پژوهش‌های محققان ایرانی در علوم مختلف نادیده گرفته شده است. تحقیقات صورت گرفته نیز بیشتر در سطوح پایین‌تر و جزئی‌تر مانند عملکرد شهرداری‌ها بر رضایت شهروندان شهرهای مختلف ایران بوده است.

تحقیق حاضر بر آن است که تأثیر سیاست گذاری عمومی از منظر رفاه عمومی بر توسعه اجتماعی را بعنوان سیاست‌های اجتماعی اجرا شده در دوره‌ی ریاست جمهوری حسن روحانی در دولت یازدهم در کردستان مورد بررسی قرار دهد. برای این منظور باید اقدامات انجام شده در این منطقه مورد بررسی قرار گیرد. یکی از خصوصیات بارز مطرح شده در دولت یازدهم داشتن سیاست‌های اجتماعی (رفاهی) جامع به ویژه در مناطق محروم است برخی از این سیاست‌ها عبارتند از: سیاست‌های که هم اکنون در وزرات تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حال اجرا هستند از قبیل حمایت غذای از افراد دارای فقر غذایی، سیاست حمایت اجتماعی از کودکان کار و خیابان، سیاست ارائه مشوق تحصیلی به کودکان بازمانده از تحصیل، سیاست غربالگری آلزایمر در سالمندان، سیاست گفتگوی اجتماعی با نخبگان و سیاست فقرزدایی منطقه‌ای اشاره کرد. علاوه بر سیاست‌های جامع برای کل ایران، دولت یازدهم برای هر منطقه نیز برنامه‌ای جداگانه‌ای را کم و بیش اجرا کرده است. به عنوان مثال در منطقه کردستان تخصیص اعتبارات برای طرح‌های فاضلاب در شهرهای مختلف استان کردستان یا کمک به ایجاد زیر ساخت‌های شهری و تلاش برای اشتغال زایی در منطقه از اقدامات دولت یازدهم است.

بر خلاف انتقادهای برخی رسانه‌ها از عملکرد ناکافی دولت روحانی در استان کردستان، اما انتخابات سال ۱۳۹۶ نشان دهنده‌ی افزایش مشارکت سیاسی شهروندان کرد در جریان انتخابات بوده است. به گزارش خبرگزاری تسنیم، انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ نشان دهنده‌ی این است که میزان آرای حسن روحانی در مقایسه با سال ۱۳۹۲ سه درصد افزایش داشته است.

۵. سیاست‌های اجتماعی دولت یازدهم در کردستان و تأثیر آن بر میزان مشارکت مردم

سیاست‌های اجتماعی به مفهوم مطالعه و بررسی خدمات اجتماعی و دولت رفاهی است. این خدمات غیرسیاسی هستند عمدتاً شامل مسکن، تأمین اجتماعی، مددکاری اجتماعی و آموزش می‌شود و هدف اصلی سیاست‌های اجتماعی کاهش نابرابری و بهبود رفاه انسانی است. اما گستره و دامنه‌ی سیاست‌های اجتماعی از تعریف اولیه‌ی خود فراتر رفته است و شامل مواردی چون بهداشت، تغذیه، اشتغال‌زایی و سایر دولتی می‌شود. به طور کلی باید گفت که سیاست‌های اجتماعی رفاهی سیاست‌هایی هستند که زندگی شهروندان را بهتر می‌کنند. از سوی دیگر مشارکت سیاسی از پدیده‌های دولت‌های مدرن به شمار می‌رود و تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است اما به طور کلی، معنای مشارکت سیاسی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت یا حمایت از نظام سیاسی است (فکوهی، ۱۳۹۳: ۲۷). در ایران البته سازوکارهای عمیق و فراوانی برای افزایش مشارکت مردم و واگذاری برخی از اختیارات تصمیم‌گیری به آنان تدارک دیده نشده است.

با توجه به تعاریف مطرح شده تحقیق حاضر به دنبال تعیین میزان اثرگذاری سیاست‌های اجتماعی دولت روحانی و میزان کارآمدی آن‌ها در مشارکت مردم استان کردستان است. متأسفانه گزارش اقتصادی جامعی در مورد اقدامات انجام شده‌ی دولت روحانی در استان کردستان وجود ندارد اما با توجه به دو سفر استانی حسن روحانی در سال‌های ۱۳۹۴ و اوایل سال ۹۶ و مصوبات اعلام شده در خبرگزاری‌ها که نتایج این سفرها بوده است، می‌توان تا حدودی به سیاست‌های اجرا شده پی برد. اما مسأله‌ی بررسی سیاست‌های اجتماعی دولت روحانی از دو منظر قابل بررسی است. اولاً سیاست‌های جامع و کلی اجرا شده در سراسر کشور که قسمت عمده‌ی این فعالیت‌ها در گزارش سال ۱۳۹۵ به مناسبت هفته‌ی دولت با عنوان «سه سال با تدبیر و امید چکیده دستاوردهای دولت یازدهم در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جهت بهره‌برداری در هفته دولت» (دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت،

۱۳۹۵) منتشر شده است. منظر دوم سیاست‌های اجتماعی اجرا شده به طور خاص در یک استان مانند پروژه‌ها و مصوبات است. از منظر اول یعنی اقدامات کلی دولت روحانی که به صورت جامع در گزارش مذکور آمده است، قسمت اعظم آن به وضعیت رفاهی، معیشت و بهزیستی شهروندان می‌پردازد و می‌توان آن‌ها را سیاست‌های اجتماعی رفاهی دولت به حساب آورد. سیاست‌هایی که به طور کلی در سراسر کشور اجرا شده‌اند و توانسته‌اند در رفاه مردم به خصوص در نواحی حاشیه نشین و روستایی مؤثر واقع شوند. بخش اندکی از این سیاست‌ها به تفکیک حوزه‌ی عبارتند از عرصه‌ی اقتصادی: بازگشت رونق اقتصادی به کشور، جلوگیری از رشد نقدینگی، کاهش نرخ سود بانکی. در بخش کشاورزی: رشد ارزش افزوده محصولات کشاورزی، اجرای عملیات آبخیزداری، خرید تضمینی گندم. در بخش مسکن: تحویل بیش از ۶۸۳ هزار واحد مسکن مهر در طول دوره دولت یازدهم، در سه ماهه اول سال ۱۳۹۵، نزدیک به ۲۷۰۰۰ واحد مسکن مهر تکمیل و تحویل به متقاضیان، تکمیل عملیات ساخت و تحویل ۵۶ پروژه بیمارستانی در شهرهای مختلف کشور. در بخش اجتماعی: ساماندهی امور اجتماعی و فرهنگی در نقاط حاشیه نشین و سکونتگاه‌های غیررسمی، تدوین و اجرای برنامه‌های حمایت از زندانیان و خانواده‌های آن‌ها، گسترش پوشش بیمه‌ی اجباری و همگانی، اجرای بیمه‌ی تکمیلی درمانی بازنشستگی، تأمین ۵۵۰۰۰ واحد مسکونی برای مددجویان و معلولان طی سه سال اخیر، افزایش ضریب نفوذ امنیت غذا و تغذیه از ۵۰ درصد در سال ۱۳۹۱ به ۶۳ درصد در سال ۱۳۹۴، توسعه کمی و کیفی خدمات سازمان بهزیستی، نظیر مراکز اورژانس اجتماعی و مشاوره، پایگاه‌های سلامت و خدمات اجتماعی، مراکز درمان اعتیاد در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی، رشد ۱۳ درصدی شهرهای برخوردار از اورژانس اجتماعی. در بخش پزشکی و درمانی: کاهش پرداخت از جیب مردم در مراجعه به مراکز درمانی کشور به میزان ۲۰ درصد همراه با افزایش دسترسی از طریق افزایش ۲۰ هزار تخت بیمارستانی و توزیع ۱۰ هزار پزشک و متخصص، تأسیس ۲۵۰۰ خانه بهداشت و مرکز بهداشتی در نقاط محروم، کاهش قیمت انواع لوازم و تجهیزات پزشکی پرمصرف به طور متوسط ۴۲ درصد. راه‌اندازی بیش از ۲۵۰ مرکز سلامت جامعه در مناطق حاشیه شهرها و شهرهای ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر. علم و فناوری: تأیید صلاحیت بیش از ۲۵۰۰ شرکت متقاضی دانش بنیان تا پایان تیرماه ۱۳۹۵ که این تعداد در خرداد سال ۱۳۹۲ تنها ۲ شرکت بوده است، اشتغال مستقیم حدود ۴۰ هزار نفر در شرکت‌های دانش بنیان و کسب درآمدی بالغ بر ۱۱۰ هزار میلیارد ریال توسط این شرکت‌ها. اقدامات مطرح

شده تنها بخش کوچکی است که در این گزارش آمده است و ذکر تمامی آن‌ها در این مقاله نمی‌گنجد.

اقدامات کلی دولت در زمینه‌ی رفاهی اجتماعی و تأثیر آن بر مشارکت مردم ایران در نقاط مختلف می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. اما با توجه به انتخابات سال ۱۳۹۶ که مشارکت در انتخابات افزایش یافته است می‌توان بخشی از افزایش مشارکت سیاسی ایرانیان و استان کردستان را ناشی از سیاست‌های کلی اجتماعی و رفاهی دولت روحانی در نظر گرفت. که توانسته است تا حدی با کاهش محرومیت نسبی شهروندان و افزایش رفاه، رضایت نسبی آنان را به دست آورد. اما در دو سفر استانی روحانی به سنندج مصوبات متعددی در زمینه‌ی، اجتماعی، فرهنگی و خدمات درمانی به تصویب رسید و علاوه بر این دو سفر شخص رییس جمهور، شش وزیر و چهل و سه تن از معاونان وزیران برای پیگیری مصوبات و پروژه‌ها به کردستان سفر کرده‌اند. در اولین سفر استانی حسن روحانی به کردستان طرح‌های مختلفی برای اجرا به تصویب رسید. این اقدامات به اختصار به شرح زیر است:

در حوزه‌ی راه و شهرسازی: ساختن، تعریض و آسفالت برخی جاده‌ها، تکمیل بزرگراه سنندج - همدان و تکمیل راه ترانزیتی سنندج - مریوان. در حوزه‌ی وزارت نیرو تکمیل پروژه‌های سد سازی، شبکه آبیاری و زهکشی، تکمیل خطوط آبرسانی و انتقال آب، ایجاد تاسیسات فاضلات، احداث پست‌های برق. در حوزه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: تکمیل بیمارستان‌ها، خوابگاه دخترانه‌ی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، احداث بیمارستان جدید. در حوزه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری: تکمیل چند دانشکده و پارک علم و فناوری، در حوزه وزارت ورزش و جوانان: تکمیل دو سالن ورزشی و استخر. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: تکمیل درمانگاه پلی تکنیک، مجموعه‌ی ورزشی و سالن چند منظوره. حوزه وزارت جهاد کشاورزی: کمک‌های فنی و اعتباری به توسعه‌ی آبیاری تحت فشار، تکمیل و توسعه‌ی ماهیان سردابی. حوزه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری: ایجاد زیر ساخت‌های گردشگری (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۴/۵/۱۱).

مصوباتی که در سال ۱۳۹۴ تصویب شد با هدف اشتغال زایی و حل معضلات منطقه‌ی کردستان صورت گرفته است. که تکمیل و راه‌اندازی این پروژه‌ها تا حدی در مشارکت سیاسی شهروندان کردستانی نقش داشته‌اند. با توجه به اینکه سیاست‌های اجتماعی با هدف حل معضلات و بحران‌های هر جامعه و رفع تبعیض صورت می‌گیرد. دولت روحانی سعی کرده است

با این پروژه‌ها بخشی از مشکلات منطقه‌ی کردستان را حل کند. میزان موفقیت این سیاست‌ها را تا حدی می‌توان در میزان مشارکت سیاسی و با استفاده از پرسشنامه و نظرسنجی از شهروندان استان به دست آورد.

اما سفر دوم حسن روحانی در ابتدای سال ۱۳۹۶ نیز حاوی راه‌اندازی و پیگیری پروژه‌های مطرح شده در سال ۱۳۹۴ بود. به گفته‌ی خبرگزاری مهر در جریان این سفر ۲۷۵۰ هزار میلیارد تومان طرح و پروژه در بخش‌های اقتصادی و عمرانی به بهره‌داری رسید. از طریق افتتاح این پروژه‌های بیش از ۶۰۰۰ شغل برای جوانان منطقه ایجاد می‌شود. همچنین تکمیل طرح‌های مسکن مهر و افتتاح تصفیه‌خانه نیز از پروژه‌های افتتاح شده در این سفر است. در این سفر همچنین چندین کارخانه‌ی صنعتی بزرگ مانند لاستیک بارز افتتاح شد که ضمن افزایش اشتغال‌زایی به رونق اقتصادی منطقه نیز کمک کرده است. در بخش سلامت و درمان نیز افتتاح مرکز ام آر آی، بازگشایی بزرگترین مرکز پزشکی، آموزشی و درمانی غرب کشور نیز انجام گرفت. در زمینه فناوری ارتباطات و اطلاعات اینترنت سرعت و بهبود خطوط تلفن همراه صورت گرفت (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶/۱/۵).

با توجه به اینکه حوزه‌های اصلی سیاست‌های اجتماعی در زمینه‌های مانند کاهش فقر امنیت اجتماعی، عدالت، بیمه‌ی بیکاری، بهبود شرایط زندگی، بیمه‌ی بازنشستگی، خدمات درمانی، مسکن، مشکلات کارگران و... است، می‌توان گفت که بسیاری از اقدامات انجام شده را می‌توان در راستای سیاست‌های اجتماعی دولت روحانی به حساب آورد، به خصوص که یکی از مهم‌ترین مشکلات اصلی استان کردستان معضل بیکاری می‌باشد. با اینکه رسانه‌ها و خبرگزاری‌های منتقد دولت این سفرها را از یک سو مصوبات از پیش تعیین شده در نظر می‌گیرند و معتقدند که سفر دوم حسن روحانی در ابتدای سال ۱۳۹۶ جنبه‌ی تبلیغاتی داشته است اما ۷۳ درصد از مردم استان در انتخابات ۲۹ اردیبهشت ماه به ایشان رأی داده‌اند که نشانی از مؤثر بودن این سیاست‌هاست. این رقم در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، ۷۰ درصد است.

۶. روش تحقیق و تحلیل نتایج

این مقاله از لحاظ ارائه الگو، از نوع کاربردی تلقی می‌شود. در تحقیقات بنیادی عمدتاً از روش‌های کیفی در فرآیند تحلیل استفاده می‌شود، استراتژی مورد استفاده در روش کیفی، دلفی است. بر اساس این روش، محقق ابتدا داده‌های حاصل از منابع اطلاعاتی را به مجموعه‌ای

از شاخص‌ها، مولفه‌ها و ابعادی و آنگاه آنان را به نوعی تئوری یا نظریه تبدیل کرده‌است. در این مقاله، پس از تحلیل داده‌های به دست آمده (از منابع اطلاعاتی، متون و منابع علمی) شاخص‌ها، مولفه‌ها و ابعاد ذیربط استخراج گردیده و سپس از طریق ارسال پرسش‌نامه و اخذ پاسخ و جمع‌بندی و تهیه پرسش‌نامه دوم و ارسال آن و تکرار این فرآیند تا رسیدن به نتیجه (الگو) کار ادامه یافته‌است. به عبارت دیگر داده‌های حاصل از منابع اطلاعاتی در ابتدا به مجموعه‌ای از شاخص‌ها، مولفه‌ها و ابعاد تبدیل و پس از اخذ نظر خبرگان (خبرگان جامعه آماری) به الگو تبدیل شده‌است.

با استفاده از روش دلفی اقدامات زیر انجام گردید:

با مشاوره با استاد راهنما که اشراف کاملی در حوزه الگوی تحقیق دارد، فهرستی از خبرگان مرتبط با موضوع، جهت عضویت در پنل خبرگان پژوهش تهیه گردید و پس از مشورت با سایر اساتید از جمله استاتید محترم راهنما فهرست پنل خبرگان نهایی گردید. این خبرگان واجد یک یا چند ویژگی زیر بوده‌اند:

عضو هیأت علمی دانشگاه یا موسسه آموزشی پژوهشی؛ مدیر/ مشاور ارشد در شرکت‌های معتبر مدیر/ کارشناس ارشد درگیر مستقیم موضوع و خبرگانی که با موضوع تحقیق آشنا و علاقمند بوده‌اند. جمع‌آوری پاسخ‌ها و جمع‌بندی پاسخ‌های دور اول دلفی و پاسخ‌های مختصر شده در جدول (۱) و (۲) آمده‌است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیف پاسخ‌های عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی

متغیرهای مستقل	میانگین	میانه	مد	انحراف استاندارد	شاخص‌های نرمالیتی		کمترین	بیشترین
					چولگی	کشیدگی		
راه و شهر سازی	3.584	3.571	3.1	0.505	0.197	0.421	2.429	4.857
نیرو	3.903	4	3.3	0.623	-0.292	-0.966	2.75	5
بهداشت و درمان	3.84	3.8	3.60	0.529	0.488	-0.083	3	5
علم و تحقیقات و فناوری	3.5	3.6	3.40	0.677	-0.54	-0.258	2.2	4.6
ورزش و جوانان	3.953	4	4	0.697	-0.505	0.951	2	5
تعاون، کار و رفاه اجتماعی	3.753	3.75	3.75	0.681	-0.355	0.552	2	5
جهاد کشاورزی	3.283	3.5	4	1.044	-0.271	-0.574	1	5

جدول ۲- نتایج آزمون تی یک نمونه‌ای

شاخص‌ها	t	سطح معناداری	فاصله اطمینان	
			کران پایین	کران بالا
راه و شهر سازی	6.339	0	0.396	0.773
نیرو	7.934	0	0.67	1.136
بهداشت و درمان	8.699	0	0.6425	1.0375
علم و تحقیقات و فناوری	4.047	0	0.2473	0.7527
ورزش و جوانان	7.482	0	0.6923	1.2132
تعاون، کار و رفاه اجتماعی	6.051	0	0.4983	1.0072
جهاد کشاورزی	2.487	0.033	0.1064	0.6731

در این مرحله تعداد ۳۵ پرسشنامه بین خبرگان توزیع شده است، و پس از ده روز پیگیری و حداقل سه بار مراجعه مجدد در نهایت ۳۰ پرسشنامه سالم جمع آوری شده است، در بخش اول پرسشنامه (در پیوست ارائه شده است) ضمن معرفی موضوع پژوهش، هدف بیان مسأله، ضرورت پژوهش و مفاهیم برای پاسخ دهندگان بیان شده است. نتایج دور اول دلفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، میانه، مد و نتایج آزمون تی- تک نمونه‌ای در جدول ۱ و ۲ نشان داده شده است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای دور اول ۰/۸۳۳ شده است.

برای سؤالات مورد نظر از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. این آزمون برای تعیین معنی داری اختلاف بین میانگین یک متغیر با یک مقدار ثابت که مقدار آزمون نامیده می‌شود، به کار می‌رود. مهم‌ترین نکته در استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای، انتخاب مقدار آزمون است که باید یک نقطه وسط را بیان کند. در مقاله حاضر با توجه به طیف لیکرت پنج گزینه‌ای طراحی شده در پرسشنامه، حداکثر و حداقل میانگین امتیازات هر بعد به ترتیب برابر با ۵ و ۱ می‌باشد. اگر امتیاز مؤلفه‌ای حداقل ۵۰ درصد از کل امتیاز قابل اکتساب رابه دست آورد، آن مؤلفه مطلوب در نظر گرفته می‌شود. بنابراین مقدار عددی ۳ به عنوان حدی در نظر گرفته شده که امتیاز بالاتر از آن به عنوان تأثیر عامل ذکر شده بد افزایش انگیزه و تشویق کاربران در استفاده از پل‌های عابر پیاده می‌باشد. چنانچه میانگین پاسخ‌ها در هر یک از مؤلفه‌های متغیرها از عدد ۳ بیشتر باشد متغیر مورد مطالعه از دیدگاه پاسخ دهنده‌ها بر افزایش انگیزه و تشویق کاربران در استفاده از

پل‌های عابر پیاده تأثیر دارد، در غیر این صورت از نظر جامعه مورد آزمون، متغیر بررسی شده تأثیر نخواهد داشت. فرض صفر و مقابل این آزمون به صورت زیر است.
H0: میانگین پاسخ‌ها دارای اختلاف معنادار با میانگین نظری نیست. ($\mu=3$)
H1: میانگین پاسخ‌ها اختلاف معنادار با میانگین نظری دارد. ($\mu\neq3$)
مقدار میانگین پاسخ‌ها برای تمامی عوامل ذکر شده بیشتر از مقدار ۳ شده است و با توجه به فاصله اطمینان ۰/۹۵٪، مقدار کمتر بودن سطح معناداری از ۰/۰۵ و مثبت بودن آماره تی نشان از تأیید فرض محقق می‌باشد و در نتیجه می‌توان گفت هر ۷ عامل ذکر شده شامل راه و شهر سازی، نیرو، بهداشت و درمان، علم و تحقیقات و فن‌آوری، ورزش و جوانان، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و جهاد کشاورزی بر مشارکت سیاسی تأثیر معنادار داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، برای تعیین اتفاق نظر میان اعضای پانل علاوه بر شاخص‌های مرکزی شامل میانگین و انحراف استاندارد و.. آزمون تی- تک‌نمونه‌ای از ضریب همبستگی کندال نیز استفاده شده است. دقت کنید ضریب همبستگی کندال با ضریب همبستگی تاو کندال تفاوت دارد. کندال در ضریب همبستگی کندال دارای خواصی نظیر ضریب همبستگی ساده است. برای برآورد آن از آماره t استفاده می‌شود. ضریب همبستگی کندال که با نماد W نشان داده می‌شود یک آزمون ناپارامتریک است و برای تعیین میزان همبستگی میان نظرات استفاده می‌شود. ضریب کندال بین صفر و یک، متغیر است. اگر ضریب کندال صفر باشد یعنی عدم توافق کامل و اگر یک باشد یعنی توافق کامل وجود دارد. ویژگی‌های ضریب کندال یکی از مهمترین کاربردهای این آزمون را در مدیریت فراهم کرده است. نتایج دوره‌های دوگانه گانه دلفی نشان می‌دهد که اتفاق نظر اعضای پانل حاصل شده است و می‌توان به تکرار دوره‌ها پایان داد.

جدول ۳- جمع بندی نهایی دلفی

دول اول دلفی
Kendall's W=0.667 Chi-square=70.206 Sig=0.001

تأثیر سیاست گذاری عمومی از منظر رفاه عمومی...

در نهایت می‌توان گفت که ضریب توافق کندال بالاتر از ۰/۴ قرار داشته است و با توجه به کمتر بودن مقدار سطح معنی داری از ۰/۰۵ می‌توان گفت که ضریب توافقی کندال معنادار بوده است و در سطح اطمینان ۹۵٪ اتفاق نظر بین خبرگان وجود داشته است. هرچه ضریب توافقی کندال به یک نزدیک‌تر باشد، اتفاق نظر بین خبرگان بیشتر می‌باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۲). بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره‌ی بهینه‌ی امور شهری، تهران: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
- اطهاری، سید کمال (۱۳۸۴). «فقر مسکن در ایران: فقر سیاست اجتماعی»، رفاه اجتماعی، شماره ۵، پاییز، صص ۱۱۳-۱۲۷.
- بابایی، نعمت‌الله (۱۳۸۲). «سیاست اجتماعی و سلامت»، رفاه اجتماعی، شماره ۱۰، زمستان، صص ۲۳۲-۲۰۱.
- پیران، پرویز (۱۳۸۲). «سیاست اجتماعی، توسعه‌ی اجتماعی و ضرورت آن در ایران (نقد و بررسی سند کپنهاگ)»، رفاه اجتماعی، شماره ۳، زمستان، صص ۱۵۴-۱۲۱.
- تاج مزینانی، علی‌اکبر و حامد، مهدیه (۱۳۹۴). «جایگاه شهرداری در اعمال سیاست اجتماعی محلی در متن قوانین شهرداری (مطالعه‌ی موردی: شهرداری تهران)»، رفاه اجتماعی، شماره ۴، تابستان، صص ۳۴۵-۳۲۳.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). «در جستجوی سیاست اجتماعی در اسلام»، رفاه اجتماعی، شماره ۱۰، زمستان، صص ۸۱-۱۰۲.
- جواهری پور، مهرداد (۱۳۸۳). «سیاست اجتماعی و فقر (از برنامه‌های تعدیل ساختاری تا راهبردهای کاهش فقر)»، رفاه اجتماعی، شماره ۱۲، بهار، صص ۷۰-۴۲.
- جزایری، علیرضا و صلواتی، مژگان (۱۳۸۳). «سیاست اجتماعی و خانواده»، رفاه اجتماعی (ویژه نامه سیاست اجتماعی)، شماره ۱۰، زمستان، صص ۲۴۴-۲۳۳.
- خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶/۱/۵. کد خبر ۳۹۳۷۸۴۶، آدرس: Mehrnews.com/News/3937846
- خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۴/۵/۱۱، کد خبر ۸۱۷۰۳۹۳۴، آدرس:

<http://www.irna.ir/fa/News/81703934>

خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶/۲/۳۰، کد خبر 1415263، آدرس: <http://tn.ai/1415263>
ربانی، رسول (۱۳۸۸). «رابطه ابعاد مادی و غیر مادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۳۲، بهار، صص ۸۷-۱۰۴.
سبکتکین ریزی، قربانعلی؛ روهنده، مجید؛ بساطیان، سیدمحمد و جعفری، احمد (۱۳۹۵). «رضایتمندی و مشارکت سیاسی - اجتماعی مطالعه موردی: شهروندان شهر کرج»، *جامعه شناسی کاربردی*، شماره ۳، پاییز، صص ۹۷-۱۱۶.
شایگان، فریبا (۱۳۸۹). «نگرش نسبت به رفاه اجتماعی - اقتصادی و رابطه آن با اعتماد سیاسی در شهر تهران»، *فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱، پاییز، صص ۱۷۸-۱۴۵.
کامکار، مهدیس (۱۳۸۲). «سیاست اجتماعی چیست؟»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۱۰، زمستان، صص ۱۱-۳۰.

کریمی علی، و قاسم طوسی سمیه (۱۳۹۳). «سیاست‌گذاری اجتماعی و هویت‌سازی ملی؛ فراگیری سیاست‌های کلان اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات ملی*، شماره ۱۵، تابستان، صص ۲۵-۴۸.
معینی محمدرضا (۱۳۸۲). «سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و نهادهای غیررسمی»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۳، زمستان، صص ۱۱۸-۱۰۳.
وصالی، سعید و امید، رضا (۱۳۹۳). «سیاست‌گذاری اجتماعی: زمینه‌ها و رویکردها»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، دوره ۱۹، شماره ۱، بهار، صص ۲۰۶-۱۷۹.
یزدانی، فرشید (۱۳۸۲). «مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی)»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۳، زمستان، صص ۳۱-۵۴.

ب) منابع انگلیسی

- Conway, M. Margaret (1991). **Political Participation in the United States**. 2nd edition. Washington, DC, Congressional Quarterly Press.
- Dani, Anis, A. & Arjen de, Haan (2008). **Inclusive States: Social Policy Structural Inequality**, the World Bank.
- Fakouhi, Naser (2004). "Humanism Theory on Villager Think about Political Participation". **Sociology Magazine**, 26, pp 25-67.
- Harris, K., (2010). "Lineages of the Iranian Welfare State: Dual Institutionalism and Social Policy in the Islamic Republic of Iran". **Social Policy & Administration**, 44(6), pp 727-745.

- Lawless, Jennifer L., and Richard L. Fox (2001). "Political Participation of the Urban Poor". **Social Problems**, 48(3). pp 362-385.
- Messkoub, M (2006). "Social Policy in Iran in the Twentieth Century". **Iranian Studies**, 39(02), pp 227-252.
- Soss, Joe (1999). "Lessons of Welfare: Policy Design, Political Learning, and Political Action". **American Political Science Review** 93: pp 363–380.

